

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۳-۱۰۰

نقش عربستان در گسترش سلفی‌گری در اخوان المسلمین مصر

حامد آل یمین^۱

چکیده

اخوان المسلمین مصر از موثرترین و گسترده‌ترین گروه‌های فرهنگی و سیاسی-اجتماعی جهان اسلام در دوره معاصر است. این جنبش از زمان تأسیس (۱۹۲۸م) تاکنون تحولات بسیاری را در جنبه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی تجربه کرده است. از جمله تحولات تدریجی اخوان در بعد فکری، نزدیکی فکری اخوان به سلفیت است. پرسش اصلی پژوهش این است که عربستان سعودی در تغییر رویکرد اخوان المسلمین به سلفی‌گری چه نقشی داشته است؟ در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، مشخص شد که سلفی‌گری در اخوان المسلمین از عوامل متعدد بیرونی و درونی متأثر بوده است. در این میان نقش عربستان به عنوان مهد سلفیت وهابی از دیگر عوامل پررنگ‌تر است. از تأثیرات عربستان می‌توان به ارتباط حسن بنا با متفکران سلفی مانند رشید رضا و محب‌الدین خطیب اشاره کرد. این ارتباط، زمینه را برای مهاجرت بسیاری از اعضای اخوان المسلمین به عربستان و کشورهای همسایه در سال‌های بعد به‌ویژه در دوره محنت و فشارهای جمال عبدالناصر بر اخوان هموار کرد. از دیگر عوامل گسترش سلفی‌گری از دوره سادات به بعد، به روند نزولی اقتصاد مصر و قوت و نفوذ مالی عربستان برمی‌گردد. این شرایط، نسل جدید و جوان اخوان المسلمین را بیش از پیش تحت تأثیر سلفیت قرار داده بود.

کلیدواژه‌ها: اخوان المسلمین، حسن بنا، سلفی‌گری، وهابیت.

۱. استادیار گروه معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران. Aleyamin@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۲/۲۷

Saudi Arabia's role in the spreading of Salafism in the Egypt Muslim Brotherhood (Ikhwān al-Muslimin)

Hamed Aleyamin¹

Abstract

The Muslim Brotherhood (Ikhwān al-Muslimin) of Egypt is one of the most effective and widespread cultural and political-social groups of the Islamic world in the contemporary period. This movement has experienced many changes in intellectual, political and social aspects since its establishment in 1928. Among the gradual changes of the Brotherhood in intellectual aspect is the intellectual proximity of the Brotherhood to Salafism. The main question of the research is what was the role of Saudi Arabia in changing the Muslim Brotherhood's (Ikhwān al-Muslimin) approach to Salafism? This research by using a descriptive-analytical method found that the Muslim Brotherhood's Salafism approach had been influenced by many external and internal factors. In this regard, Saudi Arabia's role as the cradle of Wahhabi Salafism is more significant than other factors. Among the influences of Saudi Arabia, the relationship between Hassan al-Banna with Salafi thinkers such as Rashid Reza and Muḥibb al-Dīn Khatib could be mentioned. This relationship eased the way of migration for many members of the Muslim Brotherhood (Ikhwān al-Muslimin) to Saudi Arabia and neighbour countries in the following years, specifically during the hardships and pressures of Jamal Abdul Nasser on the Brotherhood. Among other factors of the spread of Salafism from Sadat's period onwards, it goes back to the downward process of the Egypt economy and the financial power and influence of Saudi Arabia. These conditions had made the new and young generation of the Muslim Brotherhood to be more influenced by Salafism.

Keywords: Muslim Brotherhood (Ikhwān al-Muslimin), Hassan al-Banna, Salafism, Wahhabism.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. Aleyamin@ut.ac.ir

درآمد

اخوان المسلمین از بزرگترین جریان‌های سیاسی و دینی غیر دولتی جهان اسلام است که در بیش از ۷۲ کشور شعبه دارد. اخوان در فراز و فرودهای متعدد و پردامنه خود، چندین بار به صورت رسمی منحل شد، ولی اعضای وفادار به آن، بر سر آرمان‌های اخوان ایستاده و با درک فضای جدید راهی برای احیای مجدد آن یافتند. اعضای اخوان المسلمین در برخی موارد دچار خطاهای بزرگ شده ولی با بازنگری رویکردها سعی کردند تا خطاهای قبلی را جبران کنند. این تغییر رویکردها در مواردی اصلی و ریشه‌ای و در برخی موارد موضعی و موقتی بود. حفظ هویت واحد در این سازمان اهمیت ساختاری دارد. این هویت واحد به‌رغم تغییر رویکردها و تغییر رهبران و انشعابات درونی، همچنان پابرجاست و تغییرات معمولاً با توجه به شرایط جدید انجام شده‌است. تغییرات بزرگ اخوان ناشی از شرایط بیرونی و درونی روی داده است. بررسی این تغییرات در برخی موارد به تغییر هویتی اخوان نیز تعبیر شده‌است. در نگاه کلی این تغییرات به تدریج اخوان را از یک گروه فرهنگی با رویکرد مداراگونه صوفیانه به یک جنبش عقیدتی-سیاسی با رویکرد خشک سلفی تبدیل کرده است.

از جمله عوامل بیرونی، تیره شدن رابطه جمال عبدالناصر (متوفای ۱۹۷۰م) با اخوانی‌ها بود. او جماعت را منحل و بسیاری از رهبران و اعضای اخوان را در زندان‌های نظامی شکنجه کرد. این دوره محنت ۲۵ ساله موجب تغییر نگرش جماعت شد و آنها را به سمت افراط‌گرایی و تقابل سخت‌کشاند. ظهور متفکران جدید اخوانی مانند سید قطب (متوفای ۱۹۶۶م) نیز از جمله عوامل درونی تغییر رویکرد اخوان از هویت اولیه بود. از مهم‌ترین نتایج این تغییر رویکرد برای نسل‌های بعدی اخوان، شکل‌گیری گروه‌های جهادی و تکفیری جدا شده از این گروه بوده‌است (حموده، ۱۰۰-۳۰). در این میان عربستان نیز یکی از عوامل بیرونی تأثیرگذار بر تغییر رویکرد اخوان بوده‌است. پژوهش حاضر در پی بررسی نقش عربستان سعودی به عنوان منشأ سلفیت وهابی در تغییر رویکرد اخوان به سمت سلفی‌گری است.



پیشینه پژوهش

اخوان المسلمین در مصر محصور نماند و در جهان، به خصوص کشورهای اسلامی، هم از جهت فکری، فرهنگی و سیاسی و هم از جهت سازمانی گسترش یافت. از این رو پژوهش‌های بسیاری درباره آن نگاشته شده است. برخی از پژوهش‌ها به صورت کلی تحولات اخوان المسلمین را رصد کرده‌اند. کتاب *الاخوان المسلمون*، کبری *الحركات الاسلامیه المعاصره* از اسحاق موسی حسینی (۱۹۵۵م)، و نیز کتاب جمعیت *اخوان المسلمین*^۱ اثر ریچارد میشل،^۲ اخوان المسلمین را از آغاز تأسیس مورد توجه قرار داده‌اند. برخی دیگر از آثار مانند کتاب *سعودی و اخوان المسلمین*^۳ تألیف محمد أبوالاسعاد (بی‌تا)، رابطه میان سلفی‌گری و اخوان را بررسی کرده‌اند. چنین تحقیقاتی بیشتر به تمایزات و اشتراکات عقیدتی میان آن دو توجه دارند. أبوالاسعاد در این کتاب، فصل‌های متعددی را به چگونگی پیدایش دولت سعودی و ارتباطش با مصر اختصاص داده و در پایان به اختصار به رابطه حسن بنا (متوفای ۱۹۴۹م) و دولت سعودی و تشابه جماعت اخوان المسلمین با «اخوان الوهابیت» اشاره کرده است. به نظر می‌رسد عنوان کتاب با بخش کوچکی از محتوای کتاب تطبیق دارد و جهات بسیاری از این ارتباط، به خصوص بعد از حسن بنا مغفول مانده است. در این راستا، «اخوان و یکی»، سایت رسمی اخوان المسلمین، مقالات بسیاری از نویسندگان مورد اعتماد خود را منتشر کرده است. عبدالله بن بجاد عتیبی از جمله صاحب نظران سعودی حوزه اخوان و سلفیه است که تجربه حضور در هر دو جریان و گروه را داشته است. وی با پیشینه سلفی، به عضویت اخوان المسلمین درآمد و پس از آن سکولاریزم را در پیش گرفت. عتیبی در مجلات و روزنامه‌های معتبری مثل الحیات، شرق الاوسط و المسبار درباره اخوان و سلفیت و رابطه بین این دو مقالاتی نگاشته است. حسام تمام (۲۰۱۱)، از دیگر اخوان پژوهان مصری است که مقالات متعددی درباره اخوان و سلفیت و سیر تحول

1. *The Society of Moslem Brothers*.
2. Richard Mitchell

۳. *السعودیه والاخوان المسلمون*



اخوان به سمت سلفیت در مصر نگاشت. گزارش‌های او از فرهنگ مصر و اخوان، حاصل مشاهدات عینی او بوده‌است. او در مقاله «اخوان المسلمین و سعودی، فاصله و رابطه»،^۱ با جزئیات به ارتباط بین این دو پرداخته است. با این همه پژوهش حاضر نیز با بررسی کتاب‌ها، مقالات، اخبار، روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی و با شیوه توصیفی-تحلیلی به چگونگی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عربستان سعودی بر تغییر نگرش و رویکرد اخوان به سلفیت وهابی، پرداخته است. متغیر وابسته در این پژوهش سلفی‌گری در اخوان المسلمین مصر و متغیر مستقل نقش سلفیت سعودی در افزایش این سلفی‌گری است.

مفاهیم پژوهش

۱- **اخوان المسلمین:** جماعتی است که در سال ۱۹۲۸ توسط جوانی ۲۲ ساله، باهوش و سختکوش به نام حسن بنا (متوفای ۱۹۴۹م) در یکی از شهرهای مصر به نام اسماعیلیه تأسیس شد و به سرعت در میان مصریان منتشر شد. این جماعت مرزهای مصر را درنوردیدند و در دیگر کشورهای اسلامی و غیراسلامی گسترش یافت و بزرگترین جنبش اسلامی معاصر شد (حسینی، ۱۸-۲۰). اخوان المسلمین با شعار «الاسلام هو الحل»، هدفش را اصلاح جامعه اسلامی در همه زمینه‌ها قرار داد و با ایجاد سازمانی منسجم و انتشارات مجله‌ها و کتاب‌های فراوان و نیز برنامه‌ریزی‌های دقیق برای تربیت جوانان پرشور، سعی کرد تا بر جوامع و حکومت‌های اسلامی تأثیر بگذارد (حسن، ۱۰-۱۳).

۲- **آغاز صوفیانه:** در اخوان المسلمین از پیش‌فرض‌های این پژوهش است. عدم توجه به این مفهوم و توجه صرف به وضعیت کنونی اخوان، مانع از تحلیل درست تغییر و تحول اخوان از تصوف به سلفیت می‌شود. شناخت چگونگی شکل‌گیری و گذشته رهبران و اعضای اخوان و اهداف ایشان از تأسیس این جمعیت، نشان از

۱. «الأخوان المسلمون والسعودية الهجره والعلاقة»

رویکرد صوفیانه و تأثیرپذیری از طریقه‌های صوفی دارد.^۱ این رویکرد صوفیانه به مرور تغییر شکل داد و نگاه بزرگان سلفی مانند ابن تیمیه، در میان ایشان پذیرفته شد. این رویکرد جدید به حدی دور از بنیان‌ها و همراهان اولیه اخوان بود که باعث جدایی برخی از اعضای مؤثر اخوان مانند مصطفی الطیر وکیل حسن بنا از جماعت شد. این تحول از منظر برخی از محققین نتیجه ارتباط مؤسس اخوان با فکر سلفی-وهابی و ارتباط اخوان با نظام سعودی بود که تصوف را گمراهی و بدعت تلقی می‌کردند (ابوالاسعاد، ۱۰۶).

۳- **سلفی‌گری:** سلف در لغت به معنای آن چیزی است که گذشته و تمام شده (ابن منظور، ۱۵۸/۹) و در اصطلاح به معنای اصحاب پیامبر و تابعان ایشان است. سلفیه در واقع رجوع به سلف صالح و هدایت‌گری ایشان است که در کتاب و سنت پیامبر بدون تأویل است (أبو الدهب، ۳۲۴). براساس روایت عبدالله بن مسعود به نقل از پیامبر اکرم ﷺ، بهترین مردم، مردم قرن خودشان سپس قرن بعد از آن می‌دانند. بر این اساس سلفیان، مردمان سه قرن اول اسلامی را برترین افراد امت تاریخ اسلامی می‌دانند که فهمشان، منبع دینی خالص بوده و بایستی محل رجوع باشد (رمضان البوطی، ۹-۱۰). احمدبن حنبل (متوفای ۲۴۱) با تأکید بر احادیث و دوری از اجتهاد و تعقل، سلفی‌گری را در مقابل اشاعره و معتزله بنا کرد (عمار، ۲۱-۲۴). رویکرد اهل حدیث که مقبول عموم مسلمانان نبود با تلاش‌های ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸) مجدداً احیاء شد. تا اینکه در قرن دوازدهم، محمدبن عبدالوهاب (متوفای ۱۲۰۶) به نشر آراء ایشان پرداخت (همان، ۴۰-۴۳). سلفیان همانند اهل حدیث و بر خلاف اشاعره و معتزله، حدیث را بر فهم عقلی ترجیح می‌دهند و در رجوع به آیات قرآن، تأویل را جایز نمی‌دانند و به ظواهر قرآن بدون دخالت دادن نظرات کلامی در آن معتقدند (حلمی، ۱۵۵-۱۶۳). ایشان با علم کلام و فلسفه مخالف و اعتماد ایشان تنها بر کتاب‌های حدیثی اهل سنت است.

۱. به گفته حسن بنا، اخوان المسلمین با کمک جوانان صوفی طریقه «حصافیه شاذلیه» و براساس فرهنگ صوفیانه شکل گرفت. و صرفاً به دلیل عدم رقابت با طریقه‌های تصوف، اخوان المسلمین به عنوان طریقه صوفی مطرح نشد (حاشدی، ۲۱؛ برای اطلاع بیشتر نک آل یمین، سرتاسر مقاله).

امروزه سلفیه بسیاری از گروه‌ها، حرکت‌ها و متفکران اسلامی را شامل می‌شود که به سلف صالح به عنوان شیوه اصیل اسلامی دعوت می‌کنند. به‌رغم اشتراک در عنوان سلفیه، تمایزات بسیاری میان گروه‌های سلفیه دیده می‌شود. عناوینی همچون رویکرد سلفی، حرکت سلفیه، مجال سلفی، به گروه‌های گوناگون سلفیه علمی، سلفیه جهادی، سلفیه تکفیری، سلفیه وهابی و مانند اینها اشاره دارد که در روش، هدف و حتی مبانی متفاوت و متعدد هستند (زغلول شلاطه، ۷۰-۷۱). رویکرد سلفیان نسبت به دیگر مذاهب و رویکردهای اسلامی مانند اشاعره، معتزله و نیز تصوف و تشیع، موضع انکار و رد بوده‌است. سلفیان خود را تنها عاملان و حافظان اسلام حقیقی می‌دانند. البته انکار دیگر مذاهب اسلامی در بین ایشان به یک اندازه نبوده و آنها برخی مذاهب را اهل بدعت و برخی را خارج از اسلام معرفی کرده‌اند (مکی، ۵-۱۰).

انتساب سلفی‌گری به اخوان المسلمین در این مقاله به معنای عامی از سلفیت است که گروه‌های گوناگون سلفی به‌رغم اختلاف و تنازعی که میان‌شان وجود دارد، خود را منتسب به سلف می‌کنند. البته سلفی‌گری در اخوان المسلمین نیز در دوره‌های مختلف و گروه‌های درون اخوان متفاوت است. سلفی‌گرایی، شامل افراط‌گرایی جریان‌ها و گروه‌های تکفیری و جهادی اخوان المسلمین می‌شود که به صورت رسمی توسط رهبران اخوان المسلمین طرد شده و گروه‌های رقیب اخوان را تأسیس کرده‌اند. در مقابل، سلفی‌گرایی دیگری در میان اعضای اخوان وجود دارد که بیشترین فاصله را با افراط‌گرایی حفظ کرده و در عمل تلاش می‌کند تا به مقاصد شریعت و همکاری با نظام‌های سیاسی مورد حمایت غرب برسد. آنها ظواهر شریعت را در کنار احترام به سبک زندگی غربی با هم جمع کرده‌اند.

تأثیرپذیری حسن بنا از عالمان سلفی متمایل به سعودی

عربستان از طریق تأثیر بر مؤسس و متفکر اخوان المسلمین، حسن بنا بر آن گروه تأثیر گذاشته است. این اثرگذاری در آغاز به‌طور غیرمستقیم و سپس منجر به ارتباط اخوان المسلمین و حاکمان سعودی و اثرپذیری مستقیم از ایشان شده‌است. حسن



به‌عنوان یک مصلح اجتماعی، از دیدگاه‌های دیگر مصلحان اجتماعی مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی (متوفای ۱۳۱۴)، محمد عبده (متوفای ۱۳۲۳) و رشید رضا (متوفای ۱۹۳۵) متأثر بود. این مصلحان به دنبال برگرداندن مجد و عزت از دست‌رفته مسلمانان بودند (صیاد، [۱-۱۰]). حسن خود اذعان داشت که حرکتش متأثر از ایشان بوده‌است (بنا، ۱۸۲). در این میان رشید رضا به‌واسطه مرآوده مستقیم تأثیر بیشتری بر حسن بنا گذاشت. حسن در برخی مجالس رشید رضا شرکت می‌کرد و از قوت علمی وی در دفاع از اسلام ستایش می‌کرد. او پس از وفات رشید رضا، انتشار *مجله المنار* وی را با همان سبک و سیاق قبلی ادامه داد (همان، ۳۴۰).

ظاهراً عربستان در رشد تفکر سلفی در اخوان نقش مستقیم نداشته‌است. با این حال گرایش رشید رضا به وهابیت حجاز می‌تواند حاکی از تأثیر عربستان سعودی بر حرکت اخوان المسلمین باشد. رشید رضا از نظام سعودی به‌ویژه در سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵م دفاع می‌کرد و به‌نوعی حلقه وصل میان اخوان الوهابیت^۱ در عربستان و اخوان المسلمین است (ابوالاسعاد، ۱۸).

در نزاع میان مصر و سعودی برای حکومت بر اماکن مقدسه عربستان، رشید رضا بر اساس ضرورت برپایی حکومت اسلامی، حکومت آل سعود را تنها دولتی می‌دانست که حکومت خلفای صدراسلام را احیا کرده بود. بنابراین او در حمایت از حکومت سعودی و گسترش افکار وهابیت و معرفی رهبران تاریخی و فکری وهابیت سلفی تلاش بسیاری کرد. وی بسیاری از کتاب‌های ابن حنبل و ابن تیمیه را منتشر کرد و مبانی وهابیت را با شرح کتاب‌های محمد بن عبدالوهاب، مؤسس آن گسترش داد و ایشان را به‌عنوان موحدان واقعی معرفی کرد. رشید رضا همسو با خط فکری حاکمان و

۱. شبه‌نظامیان مسلح عقیدتی بودند که از بادیه‌نشینان عشایری تشکیل شده و بیش از ۷۰ درصد جمعیت فلات (نجد) را تشکیل می‌دادند. بادیه‌نشینان زندگی جاهلانه مبتنی بر درگیری‌های قبیله‌ای، تهاجم، غارت و کشتار داشتند. این شبه‌نظامیان به ملک عبدالعزیز کمک کردند تا حکومت خود را تأسیس و موقعیت خود را در شبه‌جزیره تقویت کند. شبه‌نظامیان در مقابل کشتار مردان، سالمندان، کودکان، زنان و تخریب اماکن مقدسه مانند زیارتگاه‌ها و غارت آنها، غنائم و اموالی را از آل سعود دریافت می‌کردند (ابوالاسعاد، ۱۸).

عالم‌ان سعودی، مذاهب مختلف اسلامی به‌ویژه تشیع و تصوف را انکار می‌کرد و تعالیمی مانند توسل به اولیاء را شدید نفی می‌کرد. او برای نشر آثار و مجلات و هزینه‌های خود برای ترویج وهابیت از حاکمان سعودی کمک‌های مالی دریافت می‌کرد (ابوالاسعاد، ۲۹-۳۳).

ارتباط بنا با مروجان تفکر سلفی عربستان سعودی به رشید رضا محدود نبود. محب‌الدین خطیب (متوفای ۱۹۶۹م) مؤسس مکتبه السلفیه، مدیر مجله اخوان المسلمین، از متفکران سلفی و متعصبی بود که در نشر آثار ابن تیمیه و بن‌باز و ارتباط با عالم‌ان و مبلغان سلفی مانند البانی تلاش بسیاری کرده بود. حسن بنا ارتباط وثیقی با خطیب داشت و به کتابخانه و انتشاراتش رفت‌وآمد می‌کرد و در تأسیس جمعیت شبان المسلمین با او همکاری کرده بود (عبدالمجید [۲]). ارتباط محب‌الدین خطیب با وهاب‌پون سعودی، مانند حافظ وهبه (متوفای ۱۹۶۷م)، مستشار پادشاه سعودی، باعث شد تا او بنا را به عنوان مدرّس معاهد سعودی پیشنهاد کند. بنا در هنگام ملاقات با حافظ وهبه، دولت سعودی را آرزوی اسلام و مسلمین معرفی کرد که شعارش عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر و اقتداء به سیره سلف صالح است. البته به‌سبب تیرگی روابط مصر و سعودی این پیشنهاد عملی نشد (دسوقی، [۱]).

از دیگر راه‌های ارتباطی حسن بنا با عربستان، حج بود. حسن بنا تقریباً هر سال برای اقامه حج به حجاز می‌رفت و دیگر اعضای اخوان را نیز به این امر سفارش می‌کرد. بسیاری از دیدارها و جلسات اخوان در زمان حج رخ می‌داد. حاکمان وهابی حجاز مانعی برای این جلسات نبودند و معمولاً نمایندگان از جانب حکومت نیز در برنامه‌ها و مراسم اخوان شرکت می‌کرد. اخوان نیز به دیدار حاکمان و مسولان سعودی می‌رفتند و این دیدارها نشان از روابط حسنه بین ایشان بود (ابوالاسعاد، ۱۰۲-۱۰۸). اخوانی‌ها معمولاً به همایش‌ها و مراسم سعودی‌ها دعوت می‌شدند. در یکی از همین برنامه‌ها حسن بنا با ملک عبدالعزیز دیدار کرده بود (دسوقی، [۲]). حمایت عربستان از بنا و توجه بن سعود به وی در حدی بود که در حج سال ۱۹۴۸م، که دولت نقرایشی قصد ترور حسن را داشت، حکومت سعودی، حسن بنا را به‌عنوان مهمان خود پذیرفت و

برای محافظت از جان وی نگهبانان مسلح قرار داد (جمعه، ۲۴۶). توجه حاکمان سعودی به اخوان المسلمین پس از حسن بنا نیز ادامه یافت و در دوران ریاست حسن هضیبی بر اخوان به‌عنوان مرشد دوم اخوان در سال ۱۹۵۴م، ملک عبدالعزیز جماعت حاجیان اخوانی را اکرام کرد و هواپیمایی برای انتقال ایشان فراهم کرد (دسوقی، [۳]).

ارتباط حسن بنا و اخوانی‌ها با عربستان، از آن جهت اهمیت دارد که رابطه میان عربستان و مصر در این دوره بسیار تیره بود. ایشان در دورانی مورد توجه حاکمان سعودی بودند و از طرف ایشان حمایت می‌شدند که میان حاکمان سعودی و مصر بر سر دستیابی به‌عنوان خلافت اسلامی، رقابت شدیدی وجود داشت. علاوه‌براین، نوع رویکرد دینی سلفی وهابی سعودی در تقابل آشکار با رویکرد دینی متمدنانه حاکمان مصر و الازهر بود. چنانکه در تاریخ صد ساله مصر و سعودی به‌ویژه از زمان ابراهیم پاشا رابطه دو کشور تیره بود (ابوالاسعاد، ۶).

مهاجرت اعضای اخوان به عربستان

مهاجرت به عربستان و زندگی در مهد سلفیت وهابی نقش بسزایی در رویکرد سلفی اخوانی‌ها داشت. انتخاب عربستان برای زندگی اخوانی‌ها علل و عوامل مختلفی داشت. یکی از علل مهاجرت، فشار عبدالناصر در دهه ۵۰ میلادی بر اخوان و تقابل اخوان با حکومت وی بود که منجر به انحلال اخوان در سال ۱۹۵۴م توسط حکومت شد. در پی آن حسن هضیبی و برخی از رهبران و اعضا اخوان به زندان نظامی افتاده و برخی اعدام شدند (بیومی، ۶۳). تیره شدن رابطه اخوان با حکومت عبدالناصر آغاز دوره‌ای سخت (محنت) برای اخوان بود که از سال ۱۹۵۴م تا ۲۵ سال ادامه یافت (حموده، ۹۵-۱۲۸).

عربستان در این دوره پناهگاهی برای در امان ماندن اخوانی‌ها از فشارهای حکومت عبدالناصر بود (تمام، «تسلف الاخوان»، ۱۱). پادشاه عربستان شخصاً برای توافق میان اخوان و عبدالناصر تلاش کرد و از هضیبی برای سفر به عربستان دعوت کرد. این پادرمیانی پادشاه عربستان در نزاع اخوان و عبدالناصر، به آزادی رهبران اخوان در آن زمان منجر شد (میتشل، ۱۴۹).

حضور پررنگ اخوانی‌ها به‌ویژه گروه سید قطب در عربستان سبب شد تا آنها در بسیاری از دانشگاه‌ها، ادارات و مراکز صنعتی و تجاری عربستان به کار گرفته شوند. محمد قطب برادر سید قطب از استادان دانشگاه ام القری مکه شد (قطب، [۱]). جمعه امین عضو مکتب ارشاد اخوان و محمد مهدی عاکف مرشد هفتم اخوان و عضو فعلی مکتب ارشاد اخوان و دیگران، در مؤسسات عربستان سعودی مشغول به کار شدند. بسیاری از رهبران و بزرگان اخوان نیز به عربستان سعودی مسافرت کردند. این مهاجرت، حرکت اخوان به سمت سلفیه را سرعت بخشید (تمام، «تسلف الاخوان»، ۱۳).

حمایت عربستان از اخوان المسلمین در دوران محنت اخوان به سبب تقابل عربستان با حکومت عبدالناصر بود. عبدالناصر دشمنی خود با عربستان را آشکار و آن نظام ارتجاعی می‌نامید و همواره برای محدود کردن نفوذ عربستان تلاش می‌کرد. اخوان المسلمین و رهبران وهابیت عربستان مانند بن‌باز نیز قومیت عربی ناصر را زیر سؤال می‌بردند و با عبدالناصر از جنبه‌های مختلف دشمنی می‌کردند. این دشمن مشترک موجب تعامل و همکاری بیشتر بین اخوان و آل سعود شد. حضور اخوان در عربستان سبب پیشرفت دولت سعودی شد. چرا که عالمان وهابی بسیاری از سازمان‌های جدید و فعالیت‌های توسعه را کفر می‌دانستند. در مقابل عالمان اخوانی مدعی توجیه رویکرد توسعه و عدم مخالفتش با اسلام بودند. از طرف دیگر قیام‌های قومی، حزبی و کمونیستی در میان اقشار مختلف مانند دانشجویان و کارگران علیه حاکمیت خاندان سعود در عربستان شکل گرفته بود و عربستان از اخوان برای تقابل فرهنگی و بحث‌های عقیدتی با ایشان استفاده کرد تا نه تنها این قیام‌ها جنبه دینی پیدا نکند بلکه حتی بر خلاف آموزه‌های دینی نیز تلقی شود. بدون تردید عربستان برای اثبات خود به‌عنوان یک حکومت پیش‌رو سیاسی و نیز تثبیت جایگاه خود در جهان اسلام و عرب به جذب اخوان المسلمین نیاز داشت. گروهی که در میان مسلمانان شناخته شده بود (عتیبی، ۳۳-۳۵).

بالارفتن قیمت نفت در دهه هفتاد میلادی، باعث شد تا کشورهای خلیج فارس و به‌ویژه عربستان از امکانات بیشتری برخوردار شوند. در مقابل، شرایط اقتصادی مصر

در دوران سادات رو به وخامت بود. از این رو، تعداد زیادی از مصری‌ها برای کار به این کشورها مهاجرت کردند و از محیط و فرهنگ آنها تأثیر پذیرفتند (تمام، *الاخوان المسلمون*، ۹۷). زیستن در کشوری که بنیان‌های فرهنگی، فکری و سیاسی-اجتماعی خود را بر اساس سلفیت وهابی بنا نهاده طبیعتاً تأثیری همه جانبه بر مصریان داشت. آنجایی که فضای عربستان از نظر دینی، فضایی بسته و تکثر آراء در آن جایی نداشت، ایشان برای ادامه حضور ناگزیر از رعایت حساسیت سعودی‌ها بودند. به همین علت اخوانی‌ها در عربستان برخلاف دیگر کشورهای عربی-اسلامی، شعبه رسمی و «مراقب عام» نداشتند. مقابله نکردن اخوان با افکار وهابی (تمام، «تسلف الاخوان»، ۱۱) سبب شد تا اخوان به ابزاری برای اجرای نقشه‌های سعودی متهم شود.

نقش عربستان در گسترش سلفیه در مصر

فضای فرهنگی، فکری و اجتماعی مصر پس از بنا بر رویکرد و تفکر اخوان تأثیر بسیاری داشت. نفوذ عربستان در جهان اسلام و به ویژه در مصر پس از عبدالناصر، باعث تحول و تغییر دینی به سمت سلفیت وهابی شد. این تحول دینی در ابتدا با دادن مجال به جماعت‌های سلفی در دوران عبدالناصر آغاز شد. با خروج اعضاء و رهبران اخوان از مصر، فضای دینی مصر نیازمند جایگزینی بود که برخلاف اخوان تقابل و مخالفتی با حاکمیت نداشته باشد. عبدالناصر به سبب عدم فعالیت سیاسی مؤسسات سلفی و تأثیر محدودشان بر مصر، از جانب آنها احساس خطر نمی‌کرد و به ایشان اجازه فعالیت‌های دینی و فرهنگی و انتشار مجله داده بود (JONG, 323).

قدرت و نفوذ عبدالناصر به علت مشکلات اقتصادی و شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷م کاهش یافت. در نتیجه از نفوذ جریان‌های دینی رسمی مصر از جمله طریقه‌های صوفیه و الازهر کاسته شد. این خلأ دینی و معنوی منجر به پررنگ شدن فعالیت جریان سلفی به عنوان یک جریان مستقل از دولت شد (تمام، «تسلف الاخوان»، ۱۵). نظریه قومیت عربی عبدالناصر در نتیجه ضعف و نفوذ وی، جای خود را به نظریه‌های دینی اسلام گرایان به ویژه از نوع سلفی آن داد. این رویکرد به عنوان راه

حلی برای مشکلات مصر و برگرداندن عزت و غرور به این سرزمین بر جوانان مصر تأثیر بیشتری گذاشت و باعث سوق پیدا کردن ایشان به سوی اسلام گرایان سلفی شد. گسترش فرهنگ غربی و مظاهر ابتذال، موجب عکس‌العمل دانشجویان و جوانان مصری شد و اسلام خواهی را در میان ایشان گسترش داد. اسلام‌گرایی در تقابل با افراط در رواج فرهنگ غربی، به سوی اسلام سلفی که رویکرد تهاجمی داشت و خود را تنها نماینده اسلام خالص می‌دانست، منحرف شد. چرا که اسلام صوفیان و عالمان الازهر چندان تقابلی با مظاهر غربی و ابتذال نداشت و نمی‌توانست پاسخگوی نیاز نسل جوان خواهان اسلام باشد. با عدم حضور مؤثر اسلام اخوانی و نیز کاهش نفوذ الازهر و تصوف، جایگاه سلفیه در مصر گسترش یافت و باعث شد تا در دهه ۷۰ تا ۹۰ میلادی مصر تحت تأثیر سلفیه قرار گیرد (Hoffman, 6).

با روی کار آمدن سادات، تلاش‌های عربستان برای بهبود رابطه اخوان و سادات و دادن آزادی‌های سیاسی نتیجه داد و در پی آن رفت و آمد اخوانی‌ها به عربستان گسترش یافت (عبدالناصر، ۳۳). اخوانی‌ها مانند دیگر مصریان متأثر از سعودی به نشر تفکر سلفی پرداختند و بر عمق و گسترش فرهنگ و تفکر سلفی بر جامعه مصر افزودند. از نمونه‌های تأثیر فرهنگی عربستان در مصر، رواج نوارهای قرآنی قاریان سعودی در کشوری بود که خود قاریان ممتازی داشت (تمام، «تسلف الاخوان»، ۱۴). گسترش استفاده از نقاب و پوشش کامل برای زنان و نیز شباهت برخی از جوانان با پوشش به شیوه وهابی‌ها در دهه هفتاد میلادی، از دیگر نشانه‌های گسترش تفکر وهابی عربستان در مصر بود (صبحی منصور، ۱۶). در آن دوره، تعالیم و افکار سلفی وهابیت با بهره‌گیری از نفوذ عربستان و استفاده از منابع مالی فراوان، به حدی در مصر گسترش یافت که مرجعیت دینی الازهر کاهش و دانشگاه‌های دینی عربستان رقیبی برای آن شدند. مؤسسات دینی وهابی، سخنرانان دینی، امامان جماعت، مبلغین و مدرسین را به شرط دوری از عقیده اشعری و طریقه صوفی که پیش از این در مصر رایج بود، با پرداخت حقوقی بیشتر از الازهر به مصر اعزام می‌کردند. روند فزاینده گرایش به سلفیه در مصر، باعث شد تا نسل جدید اعضای اخوان، بیشتر از میان جوانانی باشد که

گرایش سلفی داشتند. این حرکت فزاینده به سمت سلفیت با قدرتمند شدن جریان «قطبی» در میان اخوان که به سلفیه نزدیک‌تر بود، گرایش سلفی اخوان را روزبه‌روز پررنگ‌تر کرد (تمام، «تسلف الاخوان»، ۱۳). جذب جوانان پرشور متأثر از سلفیت که به واسطه اسلام خواهی جذب اخوان شده بودند در بدنه اخوان تحولات جدیدی را رقم زد که در برخی موارد به چالشی میان اعضای سابق و جدید تبدیل شد.

حمایت‌های مالی عربستان از اخوان المسلمین

حمایت‌های مالی عربستان سعودی از اخوان موجب سرعت گرفتن تمایل اخوان به تفکر سلفی - وهابی شد. این حمایت‌های مالی که نشان از همسویی اخوان با تفکرات وهابی دارد، بر افزایش این همسویی نیز اثرگذار بود. کمک‌های مالی حکام سعودی از همان اوایل تأسیس جماعت و حضور حسن بنا در حج آغاز شد. محمد حسنین هیکل (متوفای ۲۰۱۶م) می‌نویسد: در سال ۱۹۳۶م که به حج مشرف شده بود متوجه ارتباط حسن بنا با حکومت سعودی و دریافت هدایا و کمک‌های مالی وی از ایشان شده بود. گزارش دستگاه‌های امنیتی و سیاسی نیز این ارتباط و دریافت کمک‌های مالی را تأیید می‌کند. برخی افراد که بعدها روابطشان با اخوان تیره و از آن جدا شدند نیز ارتباط با خارج از مصر و دریافت کمک‌های مالی خارجی را همواره مطرح می‌کرده‌اند. البته حسن بنا که اداره امور مالی اخوان را فقط برای خود قرار داده بود، چنین ادعاهایی را رد می‌کرد (ابوالاسعاد، ۹۷-۱۰۰).

اخوانی‌ها برای انجام فعالیت‌های خود نیاز به منابع مالی قابل توجهی داشتند که برخی از این منابع مالی در عربستان سعودی قابل ردیابی است. ثروت اعضا و طرفداران اخوان ساکن در عربستان نقش مهمی در تأمین مالی اخوان داشت. ایشان با نزدیک شدن به خاندان آل سعود و همسویی با ایشان، ثروت قابل توجهی کسب کردند. هشام طلال مصطفی از شریکان شاهزاده سعودی و ولید بن طلال، از حامیان مالی اخوان بودند. علاوه بر حمایت‌های اخوانی‌های ساکن در سعودی، کمک‌های آشکار و پنهان حکومت عربستان از طریق سازمان‌های بین‌المللی و با نام امور خیریه در

تأمین مالی اخوان مؤثر بوده است. سعودی از این طریق هم حمایت اخوان را در اقدامات خود کسب می کند و هم در انجام اقدامات مخالف منافع سعودی توسط اخوانی ها مانع ایجاد کرده است (Rubin, 12-13).

میزان تأثیر عربستان سعودی بر سلفی گری اخوان

ارتباط، علاقه، اهداف و دشمنان مشترک میان اخوان المسلمین و حاکمان عربستان سعودی در طول بیش از ۷۰ سال باعث تأثیرپذیری اخوان از فرهنگ سلفی-وهابی عربستان شد. تغییر در برخی از این عوامل همگرا باعث اختلافات جدی میان ایشان شد. برخی موضوعات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام مانند ارتباط رهبران اخوان با ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م و تبریک پیروزی انقلاب اسلامی، از جمله نقاط اختلاف میان ایشان بود. عربستان سعودی، ایران را تهدیدی برای امنیت خود می دانست و از منظر دینی نیز نسبت به مذهب تشیع دشمنی آشکار داشت. در حالی که اخوان المسلمین وحدت اسلامی و عدم تکفیر دیگر مذاهب اسلامی را از جمله مبانی پذیرفته شده خود می دانستند. جنگ دوم خلیج فارس و حمله عراق به کویت در دهه نود میلادی از دیگر نقاط اختلاف و تقابل میان اخوان و عربستان بود. عربستان از نیروهای آمریکایی استقبال کرد؛ در حالی که از منظر اسلامی اخوان، حضور بیگانگان غیر مسلمان در سرزمین های اسلامی غیرقابل قبول بود. چنین اختلافاتی باعث شد تا عربستان به برخی از مخالفان اخوان اجازه فعالیت بدهد. عربستان همچنین در پرونده جماعت های اسلامی مصر با نیروهای امنیتی مصر علیه اخوان المسلمین همکاری کرد. پس از واقعه یازدهم سپتامبر، اخوانی ها را مسئول افکار افراطی و تکفیری معرفی کردند (تمام، *الاخوان المسلمون والسعودیه الوهابیه*، [۳]). این امر نشان دهنده استقلال فکری اخوان و عدم تبعیت محض ایشان از حاکمان سعودی و عالمان تابع ایشان بوده است، چرا که عوامل فرهنگی و سیاسی-اجتماعی دیگری مانند فرهنگ معتدل و عمیق مصر و ارتباط آن با فرهنگ غربی نیز بر رویکرد کلی اخوان تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این اخوان المسلمین در درون خود طیف ها و رویکردهای متنوعی دارد که

برخی از این رویکردها باعث انشقاق در اخوان و تشکیل جماعت‌ها و گروه‌های رقیب شده‌است. همین امر باعث تمایز و حتی اختلاف و عدم تأثیرپذیری تام از تفکر و فرهنگ سلفی-وهابی عربستان سعودی شده‌است (حبلا، [۱-۶]).

نتیجه

اخوان المسلمین از آغاز برای تأثیرگذاری بر جامعه پیرامون خود بسیار تلاش کرد. این تلاش موجب تعامل اخوان با مؤسسات و تفکرات گوناگون شد. این رویکرد متأثر از شیوه پذیرش و عدم دشمنی آنها با دیگران بود و در نتیجه باعث تأثیرپذیری آنها از فرهنگ‌ها و عقاید دیگران شد. از جمله عقایدی که به مرور بر اخوان المسلمین تأثیر گذاشت، فرهنگ سلفیه وهابی بود. عوامل متعددی در رسوخ این تفکر در اخوان المسلمین نقش داشت. یکی از این عوامل عربستان مهد عقیده وهابیت بود. ارتباط حسن بنا با عربستان و عنایت حاکمان عربستان به اخوان المسلمین از اوائل تأسیس آن که تا بعد از حسن بنا نیز ادامه یافت، از جمله راه‌های تأثیر عربستان بر اخوان بود. فشار عبدالناصر بر اخوان موجب مهاجرت آنها از مصر به عربستان بود. این مهاجرت تأثیر عربستان را بر اخوانی‌ها دوجندان کرد. سلفی شدن فضای مصر به سبب گسترش قدرت مالی عربستان و کاهش توان مالی مصر، موج مهاجرت مصریان به عربستان را تشدید کرد. در میان مهاجران جوانانی بودند که بعدها به عضویت اخوان درآمدند و در بدنه اخوان، سلفی‌گری را گسترش دادند. ارتباط و تعامل اخوان المسلمین و عربستان سعودی و حمایت‌های طرفینی، در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به تیرگی گرایید. تیرگی روابط نشان‌دهنده عدم تأثیرپذیری تام اخوان از عربستان است. البته این اختلافات سیاسی-اجتماعی موجب از بین رفتن ارتباط و تأثیر فرهنگی عربستان بر اخوان نمی‌شود.

منابع

- ابن منظور، لسان العرب، لسان العرب، لبنان (بيروت)، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٣٧٥.
- ابوالاسعاد، محمد، السعودية والاحوان المسلمون، مصر (قاهرة)، مركز الدراسات والمعلومات القانونية لحقوق الانسان، بي.تا.
- أبوالدهب، طه، المعجم الاسلامي: الجوانب الدينية والسياسية والاجتماعية والاقتصادية، مصر (قاهرة)، دارالشروق، ١٤٢٣.
- آل يمين، حامد، «تأثير زيارت ديني حسن البنا بر هويت عرفاني اخوان المسلمين»، پژوهش های ادبياني، دوره ٧، شماره ١٤، اسفند ١٣٩٨.
- بنا، حسن، مذكرات الدعوة والداعية، مصر (قاهرة)، الزهراء للإعلام العربي، ١٤١٠.
- بيومي، زكريا سليمان، الاحوان المسلمون بين عبد الناصر والسادات من المنشية إلى المنصة ١٩٥٢-١٩٨١، مصر (قاهرة)، مكتبة وهبة، ١٩٨٧.
- تمام، حسام، «الاحوان المسلمون والسعودية الوهابية»، ٢٢ ژوئن ٢٠٠٩، الأخبار، https://www.al-akhbar.com/Archive_Articles/147341، ٢٠، ٩، ٢٠١٨.
- _____، «تسلف الاحوان: تآكل الأطروحة الاخوانية وصعود السلفية في جماعة الاحوان المسلمين»، مصر (الاسكندرية) وحدة الدراسات المستقبلية بمكتبة الإسكندرية، ٢٠١٠.
- _____، الاحوان المسلمون، سنوات ما قبل الثورة، مصر (قاهرة)، دار الشروق، ٢٠١٣.
- جمعه، أمين عبدالعزيز، أوراق من تاريخ الاحوان المسلمين، مصر (قاهرة)، دارالتوزيع والنشر الإسلامية، ١٤٢٣.
- حاشدي، فيصل بن عبده، رسالة اخويه، يمن (صنعا)، دارالآثار، بي.تا.
- حبلا، أمين محمد، الاحوان والسعودية.. احتضنهم الأجداد وانقلب عليهم ابن سلمان، ٤ أبريل ٢٠١٨، الجزيرة نت: <https://www.aljazeera.net/news/2018/4/4/>
- حسن، محمد، الاحوان المسلمون في سطور، عمان، دار الفرقان للنشر والتوزيع، ١٩٩٠.
- حسيني، اسحاق موسى، الاحوان المسلمون كبرى الحركات الاسلامية الحديثة، لبنان (بيروت)، دار بيروت للطباعة والنشر، ١٩٥٥م.
- حلمي، مصطفى، قواعد منهج السلفي في الفكر الاسلامي: بحوث في العقيدة الاسلاميه، لبنان (بيروت)، دار الكتب العلمية، ٢٠٠٥.
- حموده، حسين، أسرار حركة الضباط الأحرار والاحوان المسلمون، مصر (قاهرة)، الزهراء للإعلام العربي، ١٩٩٤.
- دسوقي، عبده مصطفى، «تاريخ الاحوان المسلمون في السعودية»، ٨ ديسمبر ٢٠١٠، ويكيبيديا الاحوان

- المسلمين، <https://www.ikhwanwiki.com>
- رمضان البوطي، محمد سعيد، السلفية مرحلة زمنية مباركة لا مذهب اسلامي، دمشق، دارالفكر، ١٤٣١ق/٢٠١٠م.
- زغلول شلاطة، احمد، الحالة السلفية المعاصرة في مصر، قاهره، مكتبة مدبولي، ٢٠١١.
- صبحي منصور، أحمد، جذور الارهاب في العقيدة الوهابية السعودية والاخوان المسلمون، بيروت، دار الميزان، ١٤٢٩.
- صياد، محمد، «محمد رشيد رضا .. رائد العقلانية الإسلامية المعاصرة»، ٣١ أكتوبر ٢٠١١، ويكيبيديا الاخوان المسلمون، http://www.ikhwanwiki.com/index.php?title=رشيد_رضا. ٢٠، ٩، ٢٠١٨.
- عبدالناصر، وليد محمود، التيارات الإسلامية في مصر و مواقفها تجاه الخارج من النكسة إلى المنصه [١٩٨١-١٩٧٦]، قاهره، دار الشروق، ١٤٢٢.
- عبدالمجيد، وحيد، «الإخوان المسلمون» بين السلفية والصوفية؛ الأهرام اليومى، ٢٠١١: <http://digital.ahram.org.eg/articles.aspx?Serial=632963&>.
- عتيبي، عبدالله بن بجاد، «الاخوان المسلمون و السعوديه الهجره والعلاقه»، دبي، مركز المسبار للدراسات والبحوث، ٢٠١١.
- عماره، محمد، السلف و السلفية، قاهره، وزارة الأوقاف جمهورية مصر العربية، ١٤٢٩.
- قطب، محمد، «الأستاذ محمد قطب إبراهيم ... كاتب أسلامي مصري»، ٧ نوفمبر ٢٠١٢، ويكيبيديا الاخوان المسلمون، http://www.ikhwanwiki.com/index.php?title=محمد_قطب. ٩، ٢٠، ٢٠١٨.
- مكى، عبد الحفيظ، موقف الأئمة الحركة السلفية من التصوف و الصوفية، مصر (قاهره)، دارالسلام للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢١.
- ميتشل، ريتشارد، الاخوان المسلمون، ترجمه عبد السلام رضوان و منى أنيس، مصر (قاهره)، مكتبة مدبولي، ١٩٧٧.
- Hoffman, Valerie J. *Sufism, mystics, and saints in modern Egypt*, Columbia S. C, The University of South Carolina Press, 1995.
- JONG, FREDERICK DE, “OPPOSITION TO SUFISM IN TWENTIETH CENTURY EGYPT(1900-1970) A PRELIMINARY SURVEY.” *Islamic Mysticism Contested: Thirteen Centuries of Controversies and Polemics*, edited, Bernd Radtke and FREDERICK DE JON, G, Leiden, Brill, 1999.
- Mitchell·Richard P. *The Society of the Muslim Brothers, USA*, Oxford University Press, 1993.
- Rubin, Barry, Edited, *THE MUSLIM BROTHERHOOD THE ORGANIZATION AND POLICIES OF A GLOBAL ISLAMIST MOVEMENT*, United States of America, PALGRAVE MACMILLAN, 2010.